fpcej.ir
Family Pathology, Counseling & Enrichment
2020. Vol. 5, N. 2 (10), 1-22

تأثیر آموزش سبک‌های فرزندپروری والدین بر انگیزه پیشرفت و حرمت خود کودکان

پریوش وکیلی
Pvakili@irau.ac.ir
نسترن آقا حسینی

نویسنده مسئول: دکتری مشاوره، استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران.
کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران.

چکیده

محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عاملی است که روی رشد شخصیت و انگیزه پیشرفت و حرمت خود کودکان تأثیر می‌گذارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش سبک‌های فرزندپروری والدین بر انگیزه پیشرفت و حرمت خود کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال انجام گرفت. روش پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون و گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش شامل همهٔ دانش‌آموزان دختر و پسر ۱۰ تا ۱۲ ساله منطقه ٤ شهر تهران و نیز والدین (پدر و مادر) آن دانش‌آموزان بود. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ساده استفاده شد. بدین‌صورت که از بین همه دبستان‌های دوره اول منطقه ٤ تهران، به‌صورت خوشه‌ای ۲ مدرسه (مدرسه احسان و صبا) انتخاب و تعداد ۳۰ نفر (۱۵ نفر آزمایش و ۱۵ نفر کنترل) به‌صورت تصادفی در گروه‌های آزمایش و گروه کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش مداخله آموزشی را طی سه ماه در ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای دریافت نمودند. پرسشنامه‌های مورداستفاده در این پژوهش شامل مقیاس‌های حرمت خود پپ و همکاران (۱۹۸۹) و انگیزه پیشرفت هرمنس (۱۹۷۷) بود. داده‌ها به شیوه تحلیل کوواریانس مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد تأثیر مداخلهٔ سبک‌های فرزندپروری والدین بر حرمت خود با اندازه اثر (۰/۷۸) بیش از انگیزه پیشرفت با اندازه اثر (۰/۵۶) بود. پس، آموزش سبک‌های فرزندپروری والدین بر انگیزه پیشرفت و حرمت خود کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال به‌صورت هم‌زمان تأثیر معنی‌داری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: *آموزش سبک‌های فرزندپروری والدین، انگیزه پیشرفت و حرمت خود*

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

fpcej.ir
Family Pathology, Counseling & Enrichment
2020. Vol. 5, N. 2 (10), 1-22

The effect of parents' parenting styles on the children's achievement motivation and self-esteem

Parivash Vakili — **Corresponding Author:** Ph.D. in Counseling, Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Counseling, Islamic Azad University, Roodehen Branch, Tehran, Iran.

Nastaran Agha Hoseini — M.Sc., Family Counseling, Faculty of Educational Sciences and Counseling, Islamic Azad University, Roodehen Branch, Tehran, Iran.

Abstract

The family the environment are the first and most effective on the development of a children's personality and achievement motivation and self-esteem. This study aimed to investigate the effect of parenting styles on the children's achievement motivation and self-esteem of 10 to 12 years. The method of the present study was quasi-experimental with a post-test pretest design with a control group. The statistical population of the present study included all male and female students aged 10 to 12 years in District 4 of Tehran as well as the parents of those students. In this study, a simple cluster sampling method was used. Thus, out of all primary schools in Tehran's 4th district, two schools (Ehsan and Saba schools) were selected as a cluster, and 30 people (15 experiments and 15 control people) were randomly assigned to experimental groups and control groups. The experimental group received educational intervention in three 90-minute sessions over three months. The tool used in this study included a self-esteem scale by Pep et al. (1989) and a motivation for progress scale by Herman (1977). Data were analyzed and analyzed using covariance analysis. The results of the data analysis showed that the intervention effect of parenting styles had a significant effect on self-esteem with an effect size (0.78) more than motivation with the effect size (0.56). So, teaching parents parenting styles have a significant effect on the motivation of children to progress and self-esteem for 10 to 12 years at the same time.

Keywords: *parenting styles training, motivation for development and self-esteem*

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

مقدمه

نظام‌های آموزشی در هر کشوری یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت آن کشور در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. باید دانست که عوامل متعددی بر نگرش کودک از خود و اعضای خانوادهٔ خود مؤثر است، از آن جمله می‌توان به عوامل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی حاکم بر خانواده اشاره کرد که ارتباط مستقیم با سطح سواد و تحصیلات خانواده دارد. با توجه به آمار موجود، گسترش سواد کاهش رشد جمعیت و همچنین توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و پیشرفت دانش و ... را تسهیل نموده است. اینکه چه عواملی بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد یا سهم و مشارکت هر عامل چه اندازه است، همواره از حیطه‌های موردعلاقه پژوهشگران بوده است. انگیزش متغیری فرضی است که روان شناسان تربیتی بودونبود و درجات آن را در دانش‌آموزان از راه مشاهده‌ی رفتار در محیط‌های آموزشگاهی یا نمرات درسی اخذشده استنباط می‌کنند (ریو،۲۰۰۲؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۳). مهم‌ترین وظیفه نظام آموزشی، آماده ساختن دانش‌آموزان برای کسب دانش، مهارت‌های شناختی و شغلی برای ورود به اجتماع است؛ اما افت تحصیلی دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از چالش‌های عمده در کیفیت مراکز نظام آموزشی کشور به شمار می‌آید (سلمیان و کاظم نژاد، ۱۳۹۳).

استیپک (۲۰۱۴) نیز معتقد است که عقاید، ارزش‌ها و هیجان‌های مرتبط با پیشرفت، تحت تأثیر تغییرات رشدی قرار می‌گیرند. کودکان در اوایل کودکی کاملاً تکلیف محورند؛ آن‌ها هم‌چنین اعتقاد به توانایی نسبتاً بالایی دارند اما در مراحل بعدی رشد، اعتقاد به توانایی خود را به‌واسطه‌ی ارزیابی‌های خود با هم‌سالان و از طریق آموزگاران و والدینشان به دست می‌آورند. این مؤلفه‌ی شناختی تحت تأثیر عوامل مختلف ازجمله مشوق‌های محیطی[1]، گرایش‌های شخص[2]، توانایی‌های یادگیری[3] به‌ویژه خودکارآمدی[4] دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. خودکارآمدی در چهار بعد خود رهبری، خودتنظیمی، خود تهییجی و خودباوری با انگیزه‌ی پیشرفت رابطه دارد (محمد زاده، ۱۳۹۴).

به اعتقاد روان شناسان انگیزه پیشرفت[5]، میل و اشتیاق یا تلاش و کوششی است که فرد برای دستیابی به یک هدف یا تسلط بر اشیاء و امور یا افراد و اندیشه‌ها و رسیدن به یک معیار متعالی از خود ابراز می‌دارد. انگیزه پیشرفت لزوماً برای پیشرفته‌ای مشهود مانند کسب نمره‌های بالا در آزمون‌ها، مقام‌های موردقبول

1. Environmental incentives
2. Personal tendencies
3. Learning abilities
4. Self-efficacy
5. Achievement Motivation

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

اجتماعی یا حقوق و دستمزد بالا نیست. باوجودآنکه انگیزه پیشرفت دارای برنامه‌ریزی و کوشش در راه تعالی و کمال است، نگرش به‌سوی موفقیت است که اهمیت دارد، نه خود موفقیت. نیاز به پیشرفت بی‌شک به عواملی چند وابسته است که عبارتنداز ارزش‌های فرهنگی، نظام‌های روابط اجتماعی، فرایندهای تربیتی، تعامل‌های همتایان و روش‌های کاربردی پرورش کودک. افرادی که انگیزه پیشرفت سطح بالا دارند به خود تعالی و تفوق علاقه دارند، نه به پاداش و مزایای وابسته به آن‌ها یا پول و مقامی که به بار می‌آورند (پارسا، ۱۳۹۲).

در زمینهٔ انگیزش تحصیلی، حرمت خود[1] دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از عامل‌های اصلی ویژگی‌های شخصیتی است که می‌تواند انگیزش تحصیلی را تحت تأثیر قرار دهد و شاید تا حدودی تفاوت‌های جنسیتی را نیز بتوان در موضوع پیشرفت دخیل دانست. حرمت خود رضایت فرد نسبت به خود و احساس ارزشمند بودن است؛ به عبارتی، منظور از حرمت خود آن است که افراد نسبت به خود چگونه فکر می‌کنند، چقدر خود را دوست دارند و از عملکردشان راضی هستند؛ به‌خصوص به لحاظ اجتماعی و تحصیلی خود را چگونه احساس می‌کنند و میزان هماهنگی و نزدیکی «خود ایدئال[2]» با «خود واقعی[3]» آنان چقدر است (بیابان‌گرد، ۱۳۹۶؛ اسلامی نسب، ۱۳۹۳).

کراگر و ولف[4] (۲۰۰۱، به نقل از لئون و ماتیوس[5]، ۲۰۱۰) حرمت خود را به‌عنوان داوری‌های شخص از خود ارزشی معرفی و به‌منظور بررسی حرمت خود به هر دو صورت: صفت و حالت، یک الگوی حرمت خود یکپارچه را ارائه کردند (ویکلین واتنیک[6]، ۲۰۰۶؛ به نقل از زارع، دانش‌پژوه، امینی، رازقی و فلاح زاده، ۱۳۹۶). در مطالعه‌ای که به‌منظور بررسی تأثیر پیشرفت تحصیلی بر حرمت خود ۶۴ دانش‌آموز انجام گرفت به یک گروه از دانش‌آموزان نمره واقعی آنان در آزمون اعلام شد و به گروهی ۱۰ نمره پایین‌تر از نمره واقعی اعلام شد. نتایج مطالعه نشان داد که حرمت خود و پیشرفت تحصیلی با یکدیگر ارتباط مستقیمی دارند (روز و بروو، ۲۰۱۰). در پژوهش‌های کرنیس، براکنر و فرانکل[7] (۲۰۱۵) همبستگی دوسویهٔ حرمت خود و تصور فرد از توانایی خود، تأیید شد؛ بدین‌سان که اگر حرمت خود کاهش یابد، احساس ضعف و ناتوانی در فرد پدید می‌آید و بر عکس، با افزایش حرمت خود، فرد احساس توانمندی و ارزشمندی می‌کند و دگرگونی‌های مثبتی

1. Self-esteem
2. Self- Dream
3. Real self
4.Krager & Wolf
5. Leon & Matthias
6.Wikileaks Wattinick
7. Kernis, Brackner & Franklin

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

همچون افزایش پیشرفت تحصیلی، افزایش تلاش برای دستیابی به موفقیت، اعتمادبه‌نفس داشتن، بلندهمت بودن، گرایش به بیشتر سالم بودن، لذت بردن از پیوند با دیگران و پیش‌بینی مثبت موفقیت‌های آینده در او پدیدار می‌شود (بیابان‌گرد، ۱۳۹۴).

نحوه تعامل و کیفیت روابط والدین در ارضای نیاز به حرمت خود و شکل‌گیری احساسات مؤثر است (باقرپورکماچالی، ۱۳۹۴). والدین به‌عنوان اولین عامل اجتماعی کردن کودکان، نقش مهمی را در رشد و تحول روان‌شناختی و اجتماعی آنان ایفا می‌کنند (گرولنیک[1]، ۲۰۰۹). نحوه کنش و کیفیت روابط والدین با یکدیگر می‌تواند بر ارضاء یا بازداری نیازهای روان‌شناختی مؤثر باشد (نی میک، لانچ، وانستینکت و برنستین[2]، ۲۰۱۶). هاهر، نیلسون، هانسن، مارتین[3] (۲۰۱۵) در بررسی‌هایی که در ۳۵ کشور انجام داد، دریافت که موفقیت دانش‌آموزان در مدرسه با شرایط زندگی والدین مانند درآمد و سطح تحصیلات رابطه بالایی دارد؛ بنابراین، تأثیر خانواده بر رشد همه‌جانبه کودک از لحظه تولد آغازشده و با قدرت و فراگیری خاصی آشکار می‌شود و در سراسر زندگی باقی می‌ماند. روابط صحیح و متعادل والدین و فرزندان یکی از عوامل مؤثر در سلامت و بهداشت روانی آنان است. تحقیقات نشان می‌دهد که در بین عوامل مختلفی که در پرورش و شخصیت سالم کودکان و نوجوانان مؤثرند تأثیر متقابل کودک و والدین از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل محسوب می‌شود (نوابی نژاد، ۱۳۹۲). مطالعه رابطه والدین و کودک یکی از بحث‌های مهم روانشناسی را تشکیل می‌دهد با توجه به ابعاد رفتاری گرمی و کنترل، سه نوع الگوی رفتاری والدین را ارائه نمود (بامریند[4]، ۲۰۱۱): ۱- الگوی رفتاری قاطع و اطمینان‌بخش[5]، ۲- الگوی رفتاری مستبد[6]، ۳- الگوی رفتاری سهل گیر[7]. والدین دارای الگوی رفتاری قاطع و اطمینان‌بخش در امر تربیت کودک خود گرمی و کنترل زیاد، والدین مستبد کنترل زیاد و گرمی کم، والدین سهل گیر کنترل کم و گرمی زیاد اعمال می‌نمایند. هرکدام از شیوه‌های فرزندپروری پیامدهای متفاوت دارد، شیوه‌ی فرزند پروری قاطع و اطمینان‌بخش در دوران کودکی باعث می‌شود که در دوران نوجوانی، نوجوان از سطح بالای جرئت و موفقیت برخوردار باشد. شیوه‌ی فرزند پروری مستبدانه در دوران کودکی باعث می‌شود که کودک

1. Grolnick
2. Niemiec, Lynch, Vansteenkiste & Brenstein
3. Haahr, Nielsen, Hansen & Martine
4. Baermind
5. Decisive and reassuring behavior pattern
6. An authoritarian pattern of behavior
7. Behavioral behavior pattern

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

مضطرب، ناسازگار بار بیاید، شیوه‌ی فرزند پروری سهل گیر در کودکی باعث می‌شود که کودک تکانشی، نافرمان، سرکش، متوقع و وابسته بار بیاید (شیرایوری و سوگانو[1]، ۲۰۰۱؛ به نقل از باقرپور، ۱۳۸۹).

شاید بتوان گفت مهم‌ترین عامل مؤثر در شکل‌گیری نگرش دانش‌آموزان نسبت به تحصیل، خانواده است به‌طور کلی فقرمالی، پایین بودن سطح فرهنگ، اختلاف و کشمکش در خانواده روش‌های تربیتی و فرزند پروری، انتظارات و آرزوهای خانواده، نگرش‌های آن‌ها نسبت به درس و تحصیلات و ... ازجمله عوامل خانوادگی هستند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر میزان موفقیت تأثیر می‌گذارند (مشیری، ۱۳۹۱). طائی (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با حرمت خود و خودکارآمدی دانش‌آموزان پسر شهرستان دزفول به این نتیجه دست یافتند که بین سبک‌های فرزند پروری مستبدانه و سهل گیرانه والدین با حرمت خود و خودکارآمدی دانش‌آموزان پسر همبستگی منفی معنی داری وجوددارد. با این سبک مقتدرانه فرزند پروری والدین با حرمت خود و خودکارآمدی دانش‌آموزان پسرهمبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین رحیمی تبار (۱۳۹۶) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که با افزایش نمرات سبک فرزند پروری سهل گیرانه، نمرات اعتمادبه‌نفس کاهش می یابد؛ اما با افزایش نمرات سبک فرزند پروری مقتدرانه، نمرات اعتمادبه‌نفس افزایش می یابد. همچنین نتایج فرضیات دیگر نشان نشان داد که میانگین میزان اعتمادبه‌نفس در دانش‌آموزان دختر کمتر از پسران بود؛ بنابراین در تبیین نتایج این پژوهش می‌توانیم بگوییم که شیوه‌های فرزند پروری مناسب می‌توانندباعث اعتمادبه‌نفس بیشتر دانش‌آموزان شوند.

نتایج تحقیقات اشتاینبرگ و باربر[2] (۲۰۰۱؛ به نقل از پیتزر[3]،۲۰۱۱) با اشاره به همبستگی میان سبک فرزند پروری و متغیرهایی چون حرمت خود، اعتماد به خود، مسئولیت‌پذیری، پیشرفت تحصیلی، موفقیت‌های اجتماعی، اضطراب، افسردگی و حل مسئله بیانگر این موضوع است. کودکانی که والدین مثبت اندیش و متعادل آن‌ها را تربیت‌کرده‌اند در همه متغیرها، وضعیت مناسب‌تری داشتند؛ به‌عبارت‌دیگر آن‌ها حرمت خود بالاتر، پیشرفت تحصیلی بهتر و اضطراب کمتر در حل مسائل خود داشتند (کاشفی،۱۳۹۱). بدین ترتیب، نتیجه نهایی شیوه فرزندپروری[4]، کودکی شایسته است که سازگاری روانی مؤثر و نتیجه بخشی از خود بروز می‌دهد (راتراف[5]، ۲۰۱۳). همچنین این آموزش، تربیتی است که به لحاظ عاطفی

1. Shariyuri and Sugano
2. Steinberg & Barber
3. Pitzer, R.L.
4. Parenting style
5. Rothrauff, T

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

مطمئن می‌باشد پدر یا مادر محیط ثابت و محکمی ایجاد می‌کنند که کودک در این محیط پیام‌هایی را دریافت می‌کند که او را به‌عنوان فردی دارای حقوق فردی ارزیابی می‌کند. این آموزش می‌تواند کاملاً برای رشد حرمت خود و استقلال فکری مطلوب باشد. پدر و مادر به‌صراحت مسئولیت‌ها و دلایل را بیان می‌کنند. این آموزش می‌تواند میزان آگاهی از احساسات دیگران، درک استانداردهای اجتماعی و اخلاقی و آرزوها و امیدها نسبت به اهداف مشترک (از قبیل پیشرفت تحصیلی) را افزایش دهد. بعلاوه پدر یا مادر روش‌های تعاملی را ایجاد و تسریع می‌کنند که مستلزم تبادل افکار و انعطاف‌پذیری و تلاش‌هایی در جهت درک متقابل باشد. این کار می‌تواند مهارت‌هایی را در روابط بین فردی پرورش دهد که این مهارت‌ها در عوض می‌توانند به تعامل و کنش‌های متقابل و حساس اجتماعی با همسالان کمک کرده و درنتیجه کودکان محبوب‌تر با سازگاری بیشتر و بهتر را تربیت کند (ساندرز، پیدگون، گراوستوک، کانرز، بوئن و یانگ[1]، ۲۰۱۴).

آنچه مسلم است سبک های فرزندپروری می‌تواند پیش بینی کننده رشد روانی و اجتماعی، عملکرد تحصیلی، رفاه، سلامت و مشکلات رفتاری فرزندان در آینده باشد. شناخت بهتر مشکلات رفتاری در دوران کودکی می‌تواند مبنایی برای طراحی مؤثرتر برنامه های آینده باشد. از آنجایی که تاکنون مطالعات اندکی در مورد آموزش سبک های فرزندپروری بر انگیزه پیشرفت و حرمت خود کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال در استان تهران انجام شده، این تحقیق با هدف بررسی تأثیر آموزش سبک‌های فرزندپروری والدین بر انگیزه پیشرفت و حرمت خود کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال صورت گرفته است. فرضیه پژوهش عبارت است از:

۱. آموزش سبک‌های فرزندپروری والدین بر افزایش انگیزه پیشرفت و حرمت خود کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال مؤثر است.

روش

روش پژوهش حاضر شبه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون به همراه گروه کنترل است. در طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل، کلیه شرکت‌کنندگان دو بار موردانداز‌ه‌گیری قرار گرفتند. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر ۱۰ تا ۱۲ ساله منطقه ۴ شهر تهران و نیز والدین (پدر و مادر) آن دانش‌آموزان می‌باشد. بر اساس آمار اخذشده به تعداد ۱۴۰۰ نفر می‌باشند. روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای بود. بدین‌صورت که در منطقه ۴ شهر تهران ۱۵۹ مدرسه (۸۳ مدرسه پسرانه و ۷۶ مدرسه دخترانه) وجود دارد. ابتدا از بین کلیه دبستان‌های دوره اول منطقه ۴ تهران، به‌صورت

1. Sanders MR. Pidgeon AM. Gravestock F. Connors MD. BrownS. Young RW

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

خوشه‌ای ۲ مدرسه (مدرسه احسان و صبا) انتخاب شد و از سپس از هر مدرسه ۲ کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. مجموع تعداد دانش‌آموزان در هر چهار کلاس ۱۱۲ نفر می‌باشند. از بین کلیه دانش‌آموزان، تعداد ۳۰ نفر دانش‌آموز (۱۵ نفر پایه سوم و ۱۵ نفر پایه پنجم) و نیز والدین آنان انتخاب شدند نکته قابل‌ذکر این است که در این پژوهش، هم دانش‌آموزان و هم والدین آن دانش‌آموزان درگیر تحقیق هستند. بدین‌صورت که سبک فرزندپروری برای مادران دانش‌آموزان آموزش داده شد، سپس اثرات آن آموزش بر روی حرمت خود و انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان بررسی گرفت. بر این اساس، ابتدا دانش‌آموزان انتخاب‌شده به‌عنوان حجم نمونه، به‌صورت تصادفی به دو گروه ۱۵ نفره آزمایش و کنترل تقسیم‌بندی شدند. سپس پرسشنامه‌های حرمت خود و انگیزه پیشرفت برای هر دو گروه (پیش‌آزمون) اجرا گردید. همزمان با اینکار، والدین دانش‌آموزانی که به‌عنوان نمونه انتخاب‌شده بودند، در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. والدین دانش‌آموزان گروه آزمایش بسته آموزشی سبک فرزندپروری را در ۱۰ جلسه دریافت کردند ولی برای والدین دانش‌آموزان گروه کنترل هیچ‌گونه آموزشی ارائه نگردید. بعد از اتمام آموزش، پرسشنامه‌های حرمت خود و انگیزه پیشرفت برای دانش‌آموزان هر دو گروه آزمایش و کنترل (پس‌آزمون) اجرا گردید. در والدین، ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: زندگی با همسر و داشتن حداقل یک فرزند و دارا بودن حداقل تحصیلات در سطح سوم راهنمایی، رضایت فرد جهت شرکت در پژوهش.

ابزارها

آزمون حرمت خود پپ و مک هال[1]: این آزمون دارای ۶۰ سؤال است که توسط پپ و همکاران (۱۹۸۹) ساخته شد. این آزمون دارای پنج مقیاس حرمت خود (مقیاس‌های کلی، تحصیلی، جسمانی، خانوادگی، اجتماعی) و یک مقیاس دروغ‌سنج می‌باشد. هر مقیاس دارای ۱۰ سؤال مجزا است و هرکدام از سؤالات دارای ۳ ماده می‌باشند. ضریب آلفای کرونباخ، مبتنی بر انحراف استاندارد سؤال‌های آزمون است با توجه به فرمول (α) آلفای کرونباخ ضریب پایایی این آزمون برابر ۰/۸۶ = α محاسبه شد؛ که در مقایسه با روش دو نیمه کردن آزمون که ۰/۸۷ می‌باشد، اختلاف میان دو روش محاسبه برابر ۰/۰۱ = ۰/۸۶ – ۰/۸۷، است که بسیار ناچیز و قابل اغماض می‌باشد. در ادامه روش آلفای کرونباخ برای پی بردن به ارزش هر سؤال در مجموعه سؤالات آزمون اقدام به دست آوردن پایایی بعد از حذف هر سؤال از

1. Questionnaire Selfe-steem Pepe,A.W; McHale,S.A(1989)

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

مجموعه سؤالات شد که به روش لوپ مشهور است. (قاسم زاده،۱۳۸۶). ضریب پایایی آزمون به‌طور کلی برابر با ۰/۸۹ می‌باشد (غفاری، ۱۳۷۲).

پرسشنامه انگیزه پیشرفت[1] هرمنس[2]: این آزمون دارای ۲۹ سؤال است که توسط هرمنس (۱۹۷۰) ساخته شد. سؤالات پرسشنامه به‌صورت جملات ناتمام بیان‌شده است؛ و به دنبال هر جمله چند گزینه داده‌شده است. جهت یکسان‌سازی ارزش سؤالات برای هر ۲۹ سؤال پرسشنامه ۴ گزینه نوشته شد. این گزینه‌ها به‌حسب اینکه شدت انگیزه پیشرفت از زیاد به کم یا کم به زیاد باشد به آن‌ها نمره داده می‌شود. هرمنس (۱۹۷۰) برای محاسبه روایی از روایی محتوا که اساس آن را پژوهش قبلی درباره انگیزه پیشرفت تشکیل می‌داد، استفاده کرد و همچنین او ضریب همبستگی هر سؤال را با رفتارهای پیشرفت گرا محاسبه کرده است. ضرایب به ترتیب سؤالات پرسشنامه در دامنه‌ای از ۰/۳۰ تا ۰/۵۷ می‌باشد. علاوه بر این در یک مطالعه هرمنس به وجود ضریب همبستگی بین این پرسشنامه و آزمون اندریافت موضوع (TAT) اشاره دارد. هرمنس در سال ۱۹۷۰ برای محاسبه پایایی آزمون انگیزش پیشرفت تحصیلی از روش آزمون آلفای کرونباخ استفاده کرد. ضریب پایایی محاسبه‌شده برای پرسشنامه به میزان ۰/۸۴ به دست آمد. با استفاده از روش بازآزمایی در مطالعه اصلی پرسشنامه بعد از گذشت سه هفته مجددا به کارآموزان داده شد. ضریب پایایی به دست آمده ۰/۸۴ به دست آمد. در سال ۷۹-۷۸ در یک پژوهش دانشگاهی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه اقدام به استاندارد کردن و تهیه آزمون انگیزه پیشرفت شد. ضریب اعتبار آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ پس از حذف ۸ سؤال برابر با ۰/۸۳ به دست آمد. اجرای روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی در پژوهش درباره روایی پرسشنامه نشان داد که مواد پرسشنامه به گونه کلی با یک عامل همبسته است. نتیجه نشان داد که دختران در تمام پایه های تحصیلی، انگیزه پیشرفت بیشتری نسبت به پسران دارند. (نامدار، ۱۳۸۲).

مداخله

برنامه مداخله‌ای شیوه‌های فرزندپروری (بشردوست، زندی پور و رضائیان، ۱۳۹۳) در ده جلسه آموزشی ۹۰ دقیقه‌ای، هفته‌ای یک جلسه در طی سه ماه به شرح زیر اجرا گردید.

جلسه اول: توصیف برنامه فرزندپروری: معرفی مشاور، معرفی اعضاء ایجاد رابطه حسنه، بیان قوانین حضور در جلسات، لزوم آموزش والدین، درک لزوم ارتباط صحیح کودک و والد

1. Thematic Apperception Test
2. Hermans Motivation Promotion Questionnaire (T.M.A)

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

جلسه دوم: مبانی فرزند پروری: ویژگی‌های خاص هر کودک، خلق‌وخو، ویژگی‌های ارثی، الگوی رشد، محیط و تربیت، باور مثبت از خود، تأثیر والدین، تغذیه

جلسه سوم: سبک‌های فرزندپروری: آموزش سبک فرزندپروری مقتدرانه، ویژگی‌ها و پیامدها، آموزش سبک فرزندپروری مستبدانه، ویژگی‌ها و پیامد، آموزش سبک فرزند پروری سهل گیرانه، ویژگی‌ها و پیامدها، آموزش سبک فرزند پروری بی‌کفایت، ویژگی‌ها و پیامدها

جلسه چهارم: ویژگی‌های سبک اقتداری: ۱- مهارت گوش دادن فعال و بازتابی: تکنیک گوش دادن فعال، طریقه صحیح گفتگو، پاسخ‌های غیر کلامی، ۲- درک احساس و رفتار کودکان: مهارت انعکاس، فهرست احساسات مثبت و منفی، تکنیک پیام من و تو، ۳- بیان عقاید به‌صورت آزادانه برای کودکان و پرورش اعتمادبه‌نفس در آن‌ها، ۴- توقع پاسخ‌دهی، طرد، گرمی و پذیرش بی‌قیدوشرط

جلسه پنجم: ویژگی‌های سبک اقتداری: ۱- تعامل مثبت، ویژگی‌های آن و تأثیر آن در جامعه‌پذیری و ارتباط با همسالان، ویژگی‌های کلیدی در بهبود ارتباط، ۲- انتقادپذیری والدین: تکنیک ساندویچ، ۳- موانع ارتباطی رایج، ۴- توقع استقلال و مسئولیت‌پذیری در مقابل کنترل و انضباط منطقی، توضیح آثار اعمال و علل انجام یا عدم انجام امور برای کودک، حوزه مسئولت ها در ارتباط والدین و کودکان، ۵. انواع پیامدها در انضباط منطقی، ۶. همکاری، مشارکت و تقسیم‌کار: مهارت حل مسئله، روش‌های نادرست در ترغیب همکاری کودکان.

جلسه ششم: ویژگی‌های سبک اقتداری: روش‌های افزایش رفتار مطلوب: ۱. تکنیک توجه مثبت، ۲. تکنیک شکل‌دهی رفتار، ۳. تکنیک تشویق در رابطه با شایستگی‌های کودک: انواع پاداش (کلامی، غیرکلامی، فعالیتی، مادی)، جدول تشویق، ۴. تکنیک آموزش اتفاقی، ۵. تکنیک الگوسازی، ۶. تکنیک بپرس، بگو، انجام بده.

جلسه هفتم: ویژگی‌های سبک اقتداری: روش‌های کاهش رفتار نامطلوب: ۱. تکنیک ایجاد مقررات واضح و بدون ابهام، ۲. تکنیک ارائه دستورهای آرام‌کننده واضح، ۳. تکنیک نادیده گرفتن یا بی‌توجهی برنامه‌ریزی‌شده، ۵. تکنیک تصحیح بیش‌ازحد، ۶. تکنیک زمان سکوت، ۷. تکنیک محرومیت موقت.

جلسه هشتم: پیامدهای منفی سبک مستبد: ۱. کنترل بیش‌ازحد و دخالت در کارهای خصوصیات اعضا، ۲. تنبیه و محرومیت و عواقب آن، ۳. توقع بیش‌ازحد، ۴. سردی و بی‌محبتی.

جلسه نهم: پیامدهای منفی سبک سهل گیر و آموزش مهارت‌های کنترل استرس و آرام‌سازی: ۱. آسان‌گیری بیش‌ازحد و عدم کنترل (انجام آزادانه همه امور)، ۲. عدم جدیت در تنبیه و پاداش، ۳. ناتوانی

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]
FPCEJ

در عدم گفتن و ابراز عقیده: مهارت نه گفتن، ۴. توجه دادن والدین بر ایجاد اهداف والدینی و توافق و هماهنگی میان والدین نسبت به رفتارهای کودکان، ۵. تغییرات زندگی، ۶. طب سنتی، تغذیه و ورزش، ۷. استفاده از کمک‌های تخصصی: کودکانی که از مشاوره به‌خوبی بهره می‌شوند، کودکانی که نیاز مبرم به مشاوره دارند. ۸. آموزش آرام‌سازی و کنترل خشم: مهارت کنترل خشم (علائم هشدار در مورد خشم، موقعیت‌های خشم برانگیز، روش‌های مدیریت خشم، مراحل مدیریت خشم).

جلسه دهم: جمع‌بندی نهایی: جمع‌بندی نهایی و مرور مجدد تکنیک‌های بین والدین همچنین انجام پس‌آزمون

شیوه اجرای پژوهش

جهت انجام پژوهش با مراجعه به مدارس منطقه ۴ شهر تهران (مدرسه احسان و صبا) و انتخاب حجم نمونه با رضایت کتبی و گمارش آن‌ها در گروه‌های آزمایش و گواه، پرسشنامه‌های پژوهش به‌صورت گروهی بر روی افراد حاضر در پژوهش اجرا گردید. جهت رعایت اخلاق در پژوهش رضایت افراد برای شرکت در برنامه مداخله کسب و از کلیه مراحل مداخله آگاه شدند. هم‌چنین به افراد گروه گواه اطمینان داده شد که آنان نیز پس از اتمام فرایند پژوهشی این مداخلات را دریافت خواهند نمود. همچنین به هر دو گروه اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی می‌ماند و نیازی به درج نام نیست. در نهایت، بر روی گروه‌های آزمایش مداخله آموزشی شیوه‌های فرزندپروری انجام شد درحالی‌که گروه گواه به همان روش جاری و معمول آموزش می‌دید. در این پژوهش برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده‌شده است. در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی از آزمون شاپیرو- ویلک جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها، آزمون لوین برای بررسی برابری واریانس‌ها همچنین از تحلیل کوواریانس برای بررسی فرضیه پژوهش استفاده گردید. نتایج آماری با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS-۲۳ مورد تجزیه‌وتحلیل قرارگرفته است.

یافته‌ها

یافته‌های حاصل از داده‌های جمعیت شناختی بیانگر آن بود که افراد نمونه پژوهش دارای دامنه سنی ۱۰ تا ۱۲ سال بودند که در این بین میانگین و انحراف معیار سن آن‌ها ۱۷/۲ ± ۳۷/۲ بود. حال ابتدا به بررسی یافته‌های توصیفی پژوهشی پرداخته می‌شود.

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

جدول ۱. شاخص‌های آماری متغیرهای «انگیزه پیشرفت، حرمت خود و مؤلفه‌های آن» در دو گروه کنترل و آزمایش در مرحله پیش‌آزمون- پس‌آزمون

	گروه آزمایش			
	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
حرمت خود عمومی	۱۸	۲/۲	۲۰/۲	۲
حرمت خود تحصیلی	۱۷/۲۶	۳/۱	۱۹/۶	۳
حرمت خود جسمانی	۱۸/۷	۲/۳	۱۹/۳۳	۲/۷
حرمت خود خانوادگی	۱۸/۴	۳	۲۰/۴۶	۳/۳
حرمت خود اجتماعی	۱۸/۳	۲/۸	۲۰/۲۶	۳/۳
نمره کل حرمت خود	۹۰/۴	۱۰/۸	۹۹/۸۶	۱۰/۲
انگیزه پیشرفت	۴۸/۳۳	۷/۴	۵۲	۷/۷
	گروه گواه			
	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
حرمت خود عمومی	۱۷/۱۳	۲/۱	۱۷	۱/۹
حرمت خود تحصیلی	۱۸/۷	۲/۶	۱۸/۲	۲/۵
حرمت خود جسمانی	۱۸/۶	۳	۱۸/۳	۲/۳
حرمت خود خانوادگی	۱۷/۴	۲/۹	۱۷/۶	۲/۸
حرمت خود اجتماعی	۱۸	۲/۴	۱۸/۲	۱/۸
نمره کل حرمت خود	۸۹/۸	۱۰/۵	۸۹/۴	۱۰/۴
انگیزه پیشرفت	۴۸/۴۶	۹/۱	۴۸/۵	۸/۷

در جدول مربوط به شاخص‌های آماری میانگین و انحراف استاندارد نمره انگیزه پیشرفت، حرمت خود و مؤلفه‌های آن در دو گروه گواه و آزمایش در دو مرحله پیش‌آزمون- پس‌آزمون است. همانطور که ملاحظه می‌شود میانگین نمره کل حرمت خود در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه آزمایش به ترتیب برابر با ۴۸/۳۳ و ۵۲ و در گروه گواه به ترتیب ۴۸/۴۶ و ۴۸/۵ به دست آمده است.

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

جدول ۲. آزمون لون برای بررسی همگنی واریانس

متغیر	F	Df_1	Df_2	Sig
حرمت خود	۳/۱	۱	۲۸	۰/۹
انگیزه پیشرفت	۲/۸	۱	۲۸	۰/۹۶

نتایج جدول نشان می‌دهد که مفروضه نرمال بودن توزیع رعایت شده است. با توجه به آماره حاصل از آزمون شاپیرولیک بیانگر این است که مقادیر آن از ۰/۰۵ بزرگتر است. لذا فرض صفر یعنی نرمال بودن متغیر وابسته تأیید می‌شود (p>۰/۰۵). همچنین سطح معناداری F محاسبه‌شده بیشتر از P>۰/۰۵می‌باشد. لذا تفاوت واریانس ها از نظر آماری معنی دار نیست و فرض برابری واریانس ها برقرار است.

جدول ۳. نتایج تحلیل چند متغیره تحلیل کوواریانس چند متغیره

	متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
گروه	انگیزه پیشرفت	۱۰۱/۲	۱	۱۰۱/۲	۳۳/۲	۰/۰۱	۰/۵۶
	حرمت خود	۷۳۳/۲	۱	۷۳۳/۲	۸۹/۸	۰/۰۱	۰/۷۸
خطا	انگیزه پیشرفت	۷۹	۲۶	۳	-	-	-
	حرمت خود	۲۱۲/۲	۲۶	۸/۱	-	-	-

اطلاعات مندرج در جدول مربوط به نتایج آزمون تحلیل کووایانس چند متغیره است. همانطور که ملاحظه می‌شود با اطمینان ۹۹٪ می‌توان ادعا کرد آموزش سبک‌های فرزندپروری والدین بر انگیزه پیشرفت و حرمت خود کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال مؤثر است. به عبارتی با اطمینان ۹۹٪ درصد می‌توان ادعا کرد آموزش سبک‌های فرزندپروری والدین بر انگیزه پیشرفت و حرمت خود کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال به‌صورت همزمان تأثیر معناداری ایجاد می‌کند. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری والدین بر حرمت خود با اندازه اثر (۰/۷۸) بیش از انگیزه پیشرفت با اندازه اثر (۰/۵۶) تأثیر معناداری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که آموزش سبک‌های فرزندپروری والدین بر انگیزه پیشرفت و حرمت خود کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال مؤثر است. این نتایج با یافته‌های گرولنیک و رایان[1] (۲۰۰۹)؛ گرگوری و وینستاین[1]

1. Grolnick, W. & Ryan, R

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

(۲۰۱۴)؛ رایان، استایلر و لینچ[2] (۲۰۱۴)؛ گرولنیک، رایان و دسی[3] (۲۰۱۱)؛ دسی، دراور، هاتچکیس، رابینز و ویلسون[4] (۲۰۱۳)؛ گوری، بوگیانو و والراند[5] (۲۰۱۱)؛ گینزبورگ و برونستین[6] (۲۰۱۳)؛ کیم وارنر[7] (۲۰۱۲) و سرخابی[8] (۲۰۱۵) همخوانی دارد. گونزالز دهاس، ویلمز و دوئانهولبین[9] (۲۰۱۵) بر این باورند که درگیر شدن والدین در امور تحصیلی فرزندان با انگیزش آنان در ارتباط است. وقتی والدین به‌عنوان الگو و یک منبع قابل اعتماد در فعالیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان در منزل درگیر می‌شوند، دانش‌آموزان احساس کفایت و شایستگی بیشتری می‌کنند و می‌توانند در انجام امور تحصیلی مؤثرتر عمل کنند. این احساس شایستگی و کنترل به انگیزش درونی در دانش‌آموزان می انجامد. درگیری والدین همچنین باعث احساس امنیت و تعلق داشتن در کودکان می‌شود. وقتی والدین در فعالیت‌های دانش‌آموز درگیرند، محدودیت هایی را اعمال می‌کنند، تشویق می‌کنند و در مواقعی که دانش‌آموز با مشکلات اجتماعی، تحصیلی و فردی روبرو می‌شود می‌توانند به‌عنوان راهنمای او عمل کنند. این درگیرشدن نشان می‌دهد که والدین برای کودک ارزش قائلند و به او اهمیت می دهند. از دیگر سو درگیری والدین باعث می‌شود دانش‌آموزان ارزش تحصیل را درک کرده و آنرا درونی سازند. شور و شوق والدین نسبت به یادگیری پدیده ای ارزشمند است. دانش‌آموزان این واقعیت را درک کرده و ارزشمندی تحصیل را درونی کرده و عملکرد تحصیلی بهتری را نشان می دهند. گووی و ولرند (۲۰۱۱) نیز معتقدند که اگر والدین به دانش‌آموزان فرصت دهند تا آزادانه فعالیت‌های موردعلاقه خود را انتخاب کنند و آنان را به مشارکت در امور تحصیلی تشویق کنند، دانش‌آموزان احساس شایستگی و خودمختاری می‌کنند و درنتیجه انگیزش خومختار تحصیلی (انجام امور تحصیلی به خاطر انتخاب فردی و احساس لذت ناشی از آن) در آنان رشد می یابد. رپینسکی و شانک[10] (۲۰۱۲) و ایلی[11] (۲۰۱۳) نشان داد که سبک‌های فرزند پروری پدر و مادر تأثیرات متفاوتی به دنبال دارد. نتایج حاکی از آن بود که درگیری مادر و گرمی پدر قدرت پیش بینی انگیزش درونی برای فهمیدن، انگیزش درونی برای انجام کار، انگیزش درونی برای

1. Gregory, A. & Weinstein, R. S
2. Ryan, R. Stiller, J. D. & Lynch, J. H
3. Grolnick, W. Ryan, R. & Deci, E. L
4. Deci, E. l. Driver, E. Hotchkiss, L. Robbins, R. J. & Wilson, I. M
5. Guay, F. Boggiano, h. & Vallerand, R. J
6. Ginsburg, G. s. & Bronstein, ph
7. Kim, K. & Rohner, R. P
8. Sorkhabi, N
9. Gonzalelez-dehass, A. R. Willems, P. P. & DoanHolbin, F. D
10. Repinski, D. J. & Shonk, S. M
11. Ailly. H

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]
FPCEJ

تجربه تحریک، تنظیم همانند سازی شده و پیشرفت تحصیلی را دارند، حمایت پدر از خودمختاری انگیزش درونی برای فهمیدن، انگیرش درونی برای تجربه تحریک و پیشرفت تحصیلی را پیش بینی می‌کند و حمایت مادر از خودمختاری، گرمی مادر و درگیری پدر قادر به پیش بینی خرده مقیاس‌های انگیزشی و پیشرفت تحصیلی نیستند. گرولنیک و رایان (۲۰۰۹) بر این باورند که میزان و کیفیت درگیری مادران و پدران با یکدیگر متفاوت است؛ مادران بیشتر از پدران در تربیت کودکان درگیرند؛ وقت بیشتری را با آنان می گذرانند و تعامل بیشتری با آنان برای حل مشکلاتشان دارند. رپینسکی و شانک (۲۰۱۲) نیز معتقدند که درگیری بیشتر مادران در فعالیت‌های تحصیلی نوجوانان باعث تأثیرپذیری بیشتر پیامدهای تحصیلی نوجوانان از سبک فرزندپروری مادر می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که در هر دو گروه نمونه، آموزش سبک‌های فرزندپروری با حرمت خود مؤثر می‌باشد. این نتایج با نتایج تحقیقات فلیگر و واسونی[1] (۲۰۱۶)، آنولا[2] (۲۰۱۰)، هرز و گالن[3] (۱۹۹۹) و هافمن و شیف[4] (۱۹۹۳) در خصوص شیوه‌های فرزندپروری و رابطه آن با حرمت خود فرزندان همسو است. در تبیین می‌توان گفت که ویژگی‌های الدین در سه شیوه مختلف فرزندپروری و نوع تعاملی که بین آن‌ها و فرزندانشان است، نشان می‌دهد که چگونه شیوه فرزندپروری مقتدارنه، می‌تواند سبب افزایش حرمت خود در فرزندان شود. خصوصیات اصلی والدین مقتدر شامل مشارکت و علاقه فراوان آن‌ها به زندگی فرزندان، برقراری ارتباط صمیمانه با آن‌ها، داشتن اطمینان و اعتماد به آنان و تصمیم‌گیری هایشان و تشویق و ارتقای استقلال روانی آن‌هاست (باربر[5]، ۲۰۱۶). آنان فرزندان خود را تشویق می‌کنند که علایق، ارزش‌ها و استعدادهای خود را دنبال کنند و خود نیز به نیازها و توانایی‌های فرزندان توجه دارد (باربر و بین[6]، ۲۰۱۲).

والدین مستبد، رفتار فرزندانشان را با قوانین محکم و انعطاف‌پذیری کنترل می‌کنند و برای اصلاح رفتار آنان به‌زور و تهدید متوسل می‌شوند. تصمیمات آن‌ها بی‌چون‌وچرا است و فقط از حفظ قانون و اطاعت از آن صحبت می‌کنند (کاپلان، ترجمه فیروز بخت، ۱۳۸۱). همچنین والدین سهل گیر از فرزندان خود حمایت فوق‌العاده‌ای می‌کنند و برای آنان محدودیت و نظم و انضباط خاصی را تعیین نمی‌کنند و از مقابله با فرزندان اجتناب می‌کنند (بامریند[7]، ۱۹۹۱). ازآنچه گفته شد، درمی‌یابیم که

1. Fliger, J, C. & Vazsonyi, A. T
2. Aunola, K. Statin & H, Nurmi, J.
3. Herz, L. & Gullone, E
4. Hoffman, LW & Schiff, M
5. Barber, B.K
6. Barber, B.K.& Bean, R.L
7. Baumrind, D

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

حرمت خود در کودکان و نوجوانان زمانی به بهترین شکل رشد می‌کند که ارتباط آن‌ها با والدینشان به گونه ای باشد که به آن‌ها اجازه تصمیم‌گیری و فعالیت‌های مستقل داده شود و رفتارهای مسئولانه فرزندان تشویق شود؛ بنابراین بدون تردید، کودکانی که از حرمت خود رشد یافته‌ای برخوردار باشند، در زندگی اهداف بالاتری را برای خود انتخاب می‌کند، خودکفاتر، مولدتر و سازنده‌تر هستند. اضطراب و فشار روانی کمتری را تجربه می‌کنند، به شکست و انتقاد، کمتر حساسیت نشان می دهند و کمتر از احساس درماندگی رنج می برند. آنان تمایل بیشتری به مواجهه با مشکلات دارند و بر نقاط قوت خویش تأکید می‌کنند؛ لذا نسبت به خود و توانمندی‌های خود، نگرش مثبتی دارند؛ همین امر سبب می‌شود تا از اجتماع کناره‌گیری نکنند و به موفقیت‌های شغلی و تحصیلی بیشتری دست یابند؛ انگیزش بیرونی آنان به‌سوی انگیزش درونی تغییر می‌کند و احساس خودارزشمندی و خوداتکایی می‌کنند که برای یک فرد، بسیار مهم و حیاتی و ضامن استقلال، ثبات عاطفی و رشد همه‌جانبه اوست.

محدودیت‌ها و پیشنهادها. در پایان از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد که: ۱- با توجه به این که تحقیق حاضر بر روی دانش‌آموزان دختر و پسر ۱۰ تا ۱۲ ساله (مدرسه احسان و صبا) منطقه ۴ شهر تهران اجرا گردیده است و به همین علت نیز نتایج به دست آمده برای همین جامعه کاربرد دارد و تعمیم دهی آن به جوامع، جنسیت و مقاطع سنی دیگر مشکل بوده و بایستی بااحتیاط صورت پذیرد.۲- همکاری سختیگرانه سازمان آموزش‌وپرورش و مدارس با پژوهشگر. ۳- عدم اعاده پرسش‌نامه‌ها توسط تعدادی از دانش‌آموزان (۲۹ نفر) علی رغم مراجعه متعدد پژوهشگر به مدارس که این میزان چیزی حدود هشت درصد از کل پرسش‌نامه‌های توزیع‌شده را در برمی‌گیرد. در همین راستا پیشنهاد می‌شود که ازآنجاکه حرمت خود از یک ثبات نسبی برخوردار می‌باشند نظام آموزش‌وپرورش می‌تواند از طریق شناسایی حرمت خود که با پیشرفت و انگیزش تحصیلی دارای همبستگی مثبت می‌باشند، محتوای دروس دوره‌های تحصیلی به‌ویژه متوسطه اول را مطابق با آن ویژگی‌های تحصیلی تنظیم نمایند تا پیشرفت و انگیزش تحصیلی را به سطح بالاتری برسانند؛ بنابراین انتظار می‌رود نظام آموزش‌وپرورش، در کنار سنجش‌های گوناگونی که در مقاطع مختلف تحصیلی به عمل می‌آورد، بخشی را نیز به سنجش ابعاد روانی و شخصیت دانش‌آموزان اختصاص دهد تا از این طریق بتواند به دانش‌آموزان در جهت پیشرفت و انگیزش تحصیلی، یاری رساند.

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

تشکر و قدردانی. بدین وسیله از کلیه مادران و دانش‌آموزان حاضر در پژوهش که همکاری کاملی جهت اجرای پژوهش داشتند، قدردانی به عمل می‌آید.

منابع

اسلامی نسب، علی. (۱۳۹۳). روانشناسی اعتمادبه‌نفس تهران، انتشارات مهرداد.

اسلاوین، رابرت. (۲۰۰۶). روانشناسی تربیتی. ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی (۱۳۹۵). تهران: انتشارات روان.

باقرپور، صغری. (۱۳۸۹). بررسی رابطهٔ الگوهای فرزندپروری با سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان کارکنان نظامی و غیر نظامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران.

باقرپورکماچالی، صغری. (۱۳۹۴). رابطه الگوهای فرزندپروری با میزان سلامت روانی و موفقیت تحصیلی. مجله علوم رفتاری، ۱(۱):۳۴-۴۵.

بشردوست، نرگس؛ زندی پور، طیبه و رضائیان، حمید. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش سبک‌های فرزندپروری (مهارت‌های والدینی) بر تغییر نگرش مادران باردار نوبت اول به مقوله‌ی فرزندپروری. فصلنامه مطالعات زن و خانواده، ۲(۲):۷۴-۶۵.

بیابان‌گرد، اسماعیل. (۱۳۹۶). روش های افزایش عزت‌نفس درکودکان و نوجوانان. تهران: انتشارات انجمن اولیا ومربیان.

بیابان‌گرد، اسماعیل. (۱۳۹۴). رابطه میان عزت‌نفس، انگیزه پیشرفت وپیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان سال سوم دبیرستآن‌های تهران. مجله مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی وروانشناسی دانشگاه الزهرا،۱(۴ و ۵): ۱۴۴- ۱۳۱.

پارسا، منوچهر. (۱۳۹۲). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیت، خودکارآمدی هیجانی وخلاقیت هیجانی با بهزیستی مدرسه در دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های شهرستان دهدشت. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

رحیمی تبار، قادر. (۱۳۹۶). رابطه شیوه‌های فرزند پروری با اعتمادبه‌نفس در دانش‌آموزان. دین و اسلام، ۱(۴): ۵۷-۶۴

ریو، جان مارشال. (۲۰۰۲). انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۹۴). تهران: نشر ویرایش.

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

زارع، نجف؛ دانش‌پژوه، فرح؛ امینی، مرضیه؛ رازقی، محسن و فلاح زاده، محمد حسین. (۱۳۹۶). رابطه وضعیت تحصیلی با سلامت عمومی و عزت‌نفس در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱(۷): ۵۹-۶۷.

سلملیان، زهره وکاظم نژاد، لیلی احسان. (۱۳۹۳). همبستگی عزت‌نفس با موفقیت تحصیلی در دانشجویان. مجله پرستاری ومامایی جامع نگر، سال ۲۴، شماره ۷۱: ۴۷-۴۰.

شریفی درآمدی، پرویز. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش سبک حل مسئله بر میزان عزت‌نفس دانش‌آموزان ۱۲ تا ۱۳ ساله دارای مشکلات رفتاری ارتباطی در دوره راهنمایی تحصیلی. ۴(۴): ۳۸-۶۳.

طائی، لیلی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با عزت‌نفس وخودکارآمدی دانش‌آموزان پسر شهرستان دزفول. اولین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم تربیتی، شیراز، موسسه عالی علوم و فناوری حکیم عرفی شیراز.

غفاری، ابوالفضل. رمضانی، خسرو. (۱۳۷۲). هنجاریابی آزمون پنج مقیاسی عزت‌نفس کودکان و نوجوانان پپ برای دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

قاسم زاده، علیرضا. (۱۳۸۶) بررسی روابط عزت‌نفس منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

کاپلان، پاور اس. (۱۳۹۵). سفر پرماجرای کودک، ترجمه مهرداد فیروز بخت. چاپ هفتم، تهران: خدمات فرهنگی رسا.

کاشفی، اقدس. (۱۳۹۱). بررسی میزان تأثیر حمایت خانواده برعزت‌نفس دانش‌آموزان مقطع متوسطه آموزش‌وپرورش ناحیه یک شهرستان رباط کریم. پروژه تحقیقاتی، وزارت آموزش‌وپرورش، شورای تحقیقات سازمان آموزش‌وپرورش شهرستانهای استان تهران.

محمد زاده، سمیه. (۱۳۹۴). رابطه بین منبع کنترل، اهمالکاری و اضطراب امتحان دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز. پایان نامه کارشناسی ارشد واحد تهران مرکز.

مشیری، علیرضا. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سطح فرهنگ خانواده و ترک تحصیل فرزندان. پایان نامه آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.

نامدار، کورش. (۱۳۸۲). اعتبار یابی، رواسازی و هنجاریابی آزمون انگیزه پیشرفت هرمنس. دانشگاه آزاد اسلامی ساوه، ایران.

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۹۲). سه گفتاردرباره راهنمائی و تربیت فرزندان. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

Ailly. H. (2013). Children s autonomy and perceived control in learning: A model of motivation and achievement in Taiwan. Journal of Educational Psychology: Vol 95: 84-96.

Aunola, K. Statin & H, Nurmi, J. (2010). Parenting style and achievement strategies. *Journal Adolescence*, 23: 200-222.

Barber, B. K. (2016). Parental control: Revising a neglectful construct. *Child Development*. 67: 3296-3319.

Barber, B. K. & Bean, R. L. (2012). *Expanding the Study and Understanding of Psychological Control*. Haworth Press.

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11: 56-95.

Baumrind, D. (2011). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. Journal of Early Adolescence, 11(1): 56-95.

Deci, E. l., Driver, E., Hotchkiss, L., Robbins, R. J. & Wilson, I. M. (2013). The relation of mother s controlling vocalizations to children intrinsic motivation. Journal of Experimental Child Psychology: Vol 55:151- 162.

Fliger, J, C. & Vazsonyi, A. T. (2016). Parenting process and dating violence. *Journal of adolescence*: 29(4):495-512.

Ginsburg, G. s. & Bronstein, ph. (2013). Family factors related to children's intrinsic/extrinsic motivational orientation and academic motivation. Child Development: Vol 64:1461-1474.

Gonzalelez-dehass, A. R., Willems, P. P. & DoanHolbin, F. D. (2015). Examining the relationship between parental involvement and student motivation. Educational Psychology Review: Vol 17: 99- 121.

Gregory, A. & Weinstein, R. S. (2014). Connection and regulation at home and in school: Predicting Growth in achievement for adolescents. Journal of Adolescent Research: Vol 19: 405- 427.

Grolnick, W. S., Ryan, R. M. & Deci, E. L. (2009). The inner resources for school achievement: Motivational mediators of children's perceptions of their parents. Journal of Educational Psychology.

Grolnick, W. & Ryan, R. (2009) Parent styles associated with self-regulation and competence in school. Journal of Educational Psychology: Vol81: pp.143-154.

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

Grolnick, W., Ryan, R. & Deci, E. L. (2011). Inner resources for school achievement: Motivational mediators of children s perceptions of their parents. Journal of Educational Psychology: Vol 83: 508-517.

Guay, F., Boggiano, h., & Vallerand, R. J. (2011). Autonomy support intrinsic motivation and perceived competence: conceptual and empirical linkages. Personality and Social Psychology Bulletin: Vol 27:643- 650.

Haahr, Jen. Nielsen. Thomas. Hansen, Martine. (2015). Explaining student performance. *Danish technological institute, 36-37*.

Hermans, H.J.M. (1970). A questionnaire measure of achievement motivation, journal of applied psychology, 54(4): 353-363.

Herz, L. & Gullone, E. (1999). The relationship between self-esteem and parenting style a cross-cultural comparison of Australian and Vietnamese Australian adolescents. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, *30*(6):742-761.

Hoffman, L. W & Schiff, M. (1993). Self-esteem in abused chemically dependent adolescents. Child Abuse & Neglect, 13:327-334.

Kernis, M. H., Brockner, J., & Frankel, B. S. (2015). Self-esteem and reactions to failure. Journal of Personality and Social Psychology, 57(4): 707- 714.

Kim, K. & Rohner, R. P. (2012). Parental Warmth, control, and involvement are schooling predicting academic achievement among Korean American adolescents. Journal of Cross-Cultural Psychology: Vol 33:127- 140.

Leon, L. C., Matthews, L. R. (2010). Self-*esteem Theories: Possible explanations for poor interview performance for people experiencing unemployment*. *Journal of Rehabilitation*, 76(1): 41-50.

Niemiec, C. P., Lynch, M. F., Vansteenkiste, M., Brenstein, J., Deci, E. L., & Ryan, R. (2016). The antecedents and consequences of autonomous self–regulation for college: A self-determination theory perspective on socialization. *Journal of Adolescence, 2:* 761-775.

Pitzer, R. L. (20۱1). How parenting styles affect kids' behavior. Minnesota Extension Service.

Repinski, D. J. & Shonk, S. M. (2012). Mothers and fathers' behavior, adolescent s self _representations, and adjustment: A mediational model. The Journal of Early Adolescence: Vol 22:337- 383.

Ross, C. E. Broh, B.A. (2010). The roles of self-esteem and the sense of personal control in the academic achievement process. *Sociology of Education*., 73(4): 270-84.

Rothrauff, T. (2013). Remembered parenting style and Adjustment in Middle and Late Adulthood, Journal of Gerontology: social sciences, 64:137-146.

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

Ryan, R., Stiller, J. D., & Lynch, J. H. (2014). Representation of relationships to teachers, parents, and friends, as predictors of Academic motivation and self–esteem. Journal of Early adolescence: Vol 14: 226 -249.

Sanders, M. R., Pidgeon A. M., Gravestock, F., Connors, M. D., Brown, S., Young R, W. (2014). Does parental attributional retraining and anger management enhance the effects of the triple P-positive parenting program with parents at risk of child maltreatment? Behavior Therapy, 35(3): 513-35.

Stipek, D. J. (2014). Motivation to learn: From theory to practice. *Englewood cliff, N. J: PRENTICE-Hall.*

Reference in Persian

Bagherpour Kamchali, S. (1394). The relationship between parenting patterns and mental health and academic achievement. Journal of Behavioral Sciences. 1 (1): 34-45.

Bagherpour, S. (1389). Investigating the relationship between parenting patterns with mental health and academic achievement of military and civilian children. Master's thesis. Faculty of Psychology, University of Tehran.

Bashardost, N., Zandipour, T. & Rezaian, H. (2014). The effect of parenting style training (parenting skills) on changing the attitude of pregnant mothers for the first time to the category of parenting. Quarterly Journal of Women and Family Studies. 2 (2): 74-65

Biabangerd, I. (1396). Methods of increasing self-esteem in children and adolescents in Tehran: Parents and Teachers Association Publications.

Biabangerd, I. (1394). Relationship between self-esteem, motivation for progress, and academic achievement in third-year high school students in Tehran. Journal of Psychological Studies, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Al-Zahra University, 1(4,5):144-131.

Eslami Nasab, A. (1393). Psychology of Self-Confidence in Tehran. Mehrdad Publications.

Kaplan, Power S. (2016). The Adventurous Journey of a Child, translated by Mehrdad Firoozbakht. Seventh Edition, Tehran: Rasa Cultural Services.

Kashfi, A. (2012). The effect of family support on the self-esteem of high school students in an area of Robat Karim city. Research Project, Ministry of Education, Research Council of Tehran Education Organization.

Mohammadzadeh, S. (1394). The relationship between control source, procrastination, and test anxiety of students of Tehran Azad University. Central Center. Master Thesis of Tehran Branch Center.

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]

Moshiri, A. (2012). Investigating the relationship between family culture level and dropout. Thesis of the Higher School of Social Services.

Namdar, K. (1382). Accreditation, validation, and standardization of Hermans' progress motivation test. Islamic Azad University of Saveh, Iran.

Navabi Nejad, S. (2013). Three speeches on child guidance and education, Tehran: Parents and Teachers Association Publications.

Parsa, M. (1392). Investigating the relationship between personality traits, emotional self-efficacy, and emotional creativity with school well-being in male high school students in Dehdasht city. Master Thesis in Educational Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz.

Qasemzadeh, A. (2007). A Study of Self-Esteem Relationships, a Source of Control and Academic Progress in Students of Shahid Beheshti University. Master Thesis, Shahid Beheshti University.

Rahimi Tabar, Qh. (1396). The relationship between parenting methods with self-confidence in students. Religion and Islam, 1(4):57-64.

Rio, J. M. (2002). Motivation and excitement. Translated by Yahya Seyed Mohammadi (2015). Tehran: Edition Publishing.

Salmalian, Z & Kazemnejad, A. (1393). Self-esteem correlation with academic achievement in students. Journal of Comprehensive Nursing and Midwifery, Vol. 24, No. 71: 47-40.

Sharifi Daramadi, P. (1390). The effect of problem-solving style teaching on the self-esteem of 12- to 13-year-old students with communication behavioral problems in the middle school. 4(4): 38-63.

Slavin, R. (2006). Educational Psychology. Translated by Yahya Seyed Mohammadi (2016). Tehran: Ravan Publications.

Sorkhabi, N. (2015). Applicability of Baumrind s parent typology to collective cultures: Analysis of cultural explanations of parent socialization effects. International Journal of Behavioral Development: Vol 29:552 -563.

Tai, L. (1394). Investigating the Relationship between Parents' Parenting Styles with Self-Esteem and Self-Efficacy of Dezful Boys Students, First International Conference on Psychology and Educational Sciences, Shiraz, Hakim Arfi Higher Institute of Science and Technology, Shiraz.

Zare, N., Daneshpajooh, F., Amini, M., Razeghi, M., Fallahzadeh, M.H. (1396). Relationship between academic status and general health and self-esteem in Shiraz University of Medical Sciences students. Iranian Journal of Medical Education,7(1): 59-67.

.

[Downloaded from fpcej.ir on 2025-10-31]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.2.1]